۳ جاهای خالی را پر کن.

به دست آهن تفته کردن خمیر — به از دست بر سینه پیش امیر

عمر گران مایه در این صرف شد — تا چه خورم صیف و چه پوشم شتا

ای شکم خیره به نانی بساز — تا نکنی پشت به خدمت دوتا

۴ فعل‌های گذشته و حال را در هر عبارت مشخص کن. نکته: فعل گذشته (ماضی):

الف: از دانش چه خواندی و با خود چه داری؟ (گذشته (ماضی)) — مضارع (حال)

ب: خودش را به کاروانسرا می‌رساند. — حال (مضارع)

پ: شاید دیگر به خانه برنگردیم. — حال (مضارع)

۵ عبارت زیر را به نثر روان بازگردان.

نان خود خوردن و نشستن به که کمر زرّین بستن و به خدمت ایستادن.

از دستر نخ خدمت ایستاده کردن بهتر است از این که با لباس های گران قیمت آماده برای خدمت گزاری کسی برپا باشی (تعظیم شدن) (نان خود خوردن کنار به از این است که خدمت کسب درآمد کنی.)

۶ هم‌خانواده‌ی واژه‌های زیر را از متن حکایت «عمر گران‌مایه» پیدا کرده و بنویس.

زرگر ← زرّین

مصرف ← صرف

ذلیل ← مذلّت

تسلّط ← سلطان

۷ شعر زیر خواننده را به چه کاری توصیه می‌کند؟

«ای شکم خیره به نانی بساز — تا نکنی پشت به خدمت دوتا»

قناعت داشتن و به آن چه خودمان داریم راضی باشیم

۸ عبارت زیر چند جمله است؟

«نان خود خوردن و نشستن به که کمر زرّین بستن و خدمت ایستادن»

مصدر مصدر بهتر است مصدر مصدر

۱ جمله

نکته: نهاد و گزاره:

۹ کدام‌یک از واژه‌های مشخّص شده در عبارت زیر نهاد نیست؟

«دو برادر، یکی خدمت سلطان کردی و دیگری به زور بازو نان خوردی.»

نهاد نهاد

نهاد: دریا سخ چه چیزی فعل؟ چه کسی فعل؟